



بررسی و مقایسه ارضای نیازهای اساسی و تاثیر آن در بروز اختلالات رفتاری نوجوانان بزهکار و مقایسه آن با نوجوانان غیربزهکار شهر یزد در سال ۴۰۰-۹۹

مژگان دهقان چناری^۱، ندا دهقان^۲

^۱ کارشناس ارشد، تکنولوژی آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد
azadna.۲۵۲۶@gmail.com

^۲ کارشناس ارشد تکنولوژی آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد
Ndgh۱۳۶۸@gmail.com

چکیده :

هدف از انجام این پژوهش، بررسی و مقایسه ارضای نیازهای اساسی و تاثیر آن در بروز اختلالات رفتاری نوجوانان بزهکار و غیربزهکار شهر یزد در سال ۴۰۰-۹۹ بود. جامعه آماری این پژوهش شامل ۲۷ نوجوان بزهکار در کانون اصلاح و تربیت و ۷۰ نوجوان غیربزهکار در مدارس بودند که به روش تصادفی انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده ها مصاحبه ساختار و پرسشنامه آزمون ارضای نیازهای اساسی مازلو و پرسشنامه آزمون شخصیتی وودورث بود. یافته‌های بدست آمده نشان داد ارضای نیازهای اساسی بین نوجوانان بزهکار و غیر بزهکار در تمام نیازهای ایمنی، محبت و تعلق، عزت نفس و خودشکوفایی و بطور کلی همه نیازهای اساسی اختلاف معناداری وجود دارد و فقط در قسمت نیازهای فیزیولوژیک اختلاف معناداری دیده نشده است در قسمت آزمون شخصیتی وودورث برای بررسی میزان اختلالات رفتاری نیز اختلاف معناداری در قسمت هیجان پذیری، افسردگی، پرخاشگری، وسواس-پسیکاستنی و پارانویا بین نوجوانان بزهکار و غیربزهکار مشاهده شد. و در اختلالات گوشه‌گیری، بی‌قراری، ضداجتماعی و به طور کلی اختلالات رفتاری تفاوتی بین دو گروه دیده نشد همچنین رابطه‌ای بین ارضای نیازهای اساسی و مشخصات فردی نوجوانان بزهکار و و هیچ رابطه‌ای بین اختلالات رفتاری و مشخصات فردی این نوجوانان وجود ندارد. ولی بین اختلالات رفتاری و پایه تحصیلی و شغل پدر در نوجوانان غیربزهکار رابطه وجود دارد. بین ارضای نیازهای اساسی و مشخصات فردی نوجوانان غیربزهکار رابطه‌ای نبود و مشخص گردید کل افراد بزهکار در ده مهارت زندگی اساسی بسیار ضعیف عمل می‌کنند.

کلید واژه ها : نیازهای اساسی، اختلالات رفتاری، نوجوانان ، بزهکار، غیربزهکار



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

مقدمه:

با توجه به اینکه در معضل اجتماعی بزهکاری و آسیب های رفتاری علل بسیار زیادی مطرح می باشد، ولی بطور کلی اگر انسان راجع به تعامل وراثت و محیط بدنیم، بنابراین شخصیت و منش کودک و نوجوان از عوامل تشکیل گردیده است. مسئله توارث یعنی انتقال خصوصیات و صفات فردی، از طریق ژنها که تابعی از خصوصیات ژنهای والدین واجداد است. بعضی از کودکان دارای ژن معیوب می باشند که در ردیف کودکان عقب مانده ذهنی، جسمی و عاطفی قرار می گیرند. اما امروزه همه روان شناسان و روان کاوان بر این باورند که اختلالات روانی، شخصیتی و رفتاری کودکان و نوجوانان از خانواده آغاز شده و در مدرسه و اجتماع تثبیت می گردد. به عبارتی دیگر امروزه همه اختلالات رفتاری و شخصیتی کودکان و نوجوانان را تابعی از محیط نابسامان و ناپهناجاران می دانند. ولی آنچه مسلم است با وجود همه کوششها و تحقیقات و با توجه به اینکه قرن بیست و یکم قرن پیشرفت و تکنولوژی می باشد جامعه بشری هنوز نتوانسته به معمای بزهکاری، فساد شخصیت و آسیب های رفتاری امروزه که در جامعه رو به گسترش است پاسخگو باشد، زیرا شاهد روزافزون جرم ها و آسیب های پنهان از قبیل اعتیاد به اینترنت، هرزه نگاری، بلوتوث، خیابان گردی و روابط نامشروع، سوءاستفاده از باورهای اعتقادی، حجاب گریزی و حجاب ستیزی هستیم که از جامعه جوانان به گروه های سنی نوجوانان و کودکان گسترش یافته است.

امروزه ابعاد آسیب های اجتماعی روز به روز گسترده تر می گردد و جامعه را با مشکلات ناشی از خود درگیر می نماید. از جمله آسیب های اجتماعی که روند روبه گسترش آن مشهود است، مسئله اینترنت، موبایل، مواد مخدر، خیابان گردی، سوءاستفاده از باورهای اعتقادی، موسیقی، بی حجابی و ماهواره می باشد. که عوارض استفاده نادرست و عدم فرهنگ سازی قبل از استفاده از این وسائل جامعه اسلامی و به اصطلاح فرهنگی امروز را به آسیب های روانی، رفتاری و شخصیتی کشانده است. پدیده کودکان و نوجوانان فراری و خیابانی که معلول خانواده نابسامان است و مشکلاتی از قبیل دوست یابی های موقت، روابط نامشروع و روسپیگری، بدحجابی، هرزه نگاری و گردشگری های مبتذل را به دنبال دارد، موجب شده است که در پرتو خانواده نابسامان تعداد قابل توجهی از کودکان و نوجوانان معصوم جامعه به دلائل متعددی دست به فرار زده و به خیابان کشیده شوند (ملکی، ۱۳۸۵). این کودکان و نوجوانان به آسیب های رفتاری و روانی دچار شده و درصد قابل توجهی از آنها دست به خودکشی زده یا به دیگران آسیب می رسانند. از این رو کودکان و نوجوانان نیاز به مراقبت و حفاظت به خصوص در دوران رشد دارند، در این راستا خانواده به عنوان اولین نهاد اجتماعی و بادوام ترین عامل در تکوین شخصیت کودکان و نوجوانان که زمینه ساز رشد جسمانی، اخلاقی، اجتماعی، عقلانی و عاطفی آنان می باشد نقش حیاتی و اساسی دارد و در اسلام نیز به نقش خانواده در سالم سازی افراد تأکید شده است (ملکی، ۱۳۸۵). در مطالعات اخیر بهداشت روانی، خانواده واحد زندگی است و از آن به عنوان واحد سلامتی و بیماری یاد می شود. زمانیکه خانواده حامی، مشوق، ارائه کننده الگوهای مثبت و دارای پیوندهای مستحکم عاطفی باشد، احتمال بروز اختلالات رفتاری و هیجانی، ناسازگاری اجتماعی و آسیب های رفتاری کاهش می یابد در این حال خانواده واحد سلامتی است، ولی اگر خانواده ای سرزنش گر، ناامیدکننده، امر و نهی کننده، تنش زا و بحران آفرین باشد شانس اختلالات رفتاری و هیجانی، بیماری، بزهکاری و تحت تأثیر قرار گرفتن وضعیت نابسامان جامعه افزایش می یابد، در چنین موقعیتی خانواده واحد بیماری است (وزیری یزدی، ۱۳۸۴). متأسفانه با سرعت گرفتن تحولات اجتماعی و صنعتی خانواده جایگاه و نقش محوری خود را آرام آرام از دست داده یا می دهد و انواع آسیب های رفتاری و اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و روانی برومی کند زیرا شاهد روزافزون آسیب های شخصیتی و رفتاری هستیم که دامنه سنی و بروز آن از جامعه جوان به نوجوان و کودک گسترش یافته است (علمی یزدی، ۱۳۸۰). کودکان و نوجوانانی که مراحل رشد و بلوغ خود را می گذرانند و نیاز به حمایت والدین از ابعاد متعدد دارند، در خیابان رها شده و آمادگی لازم را برای دچار شدن به انواع آسیب های اجتماعی پیدا می کنند و کم کم با عشق و محبت بیگانه می شوند و عاطفه ی آنها تغییر می نماید و به انسانهای دارای ناهنجاری رفتاری و ناسازگاری اجتماعی تبدیل می گردند (ملکی، ۱۳۸۵). از آنجاکه مشکلات روانی و عاطفی دوره ی نوجوانی شامل: خودپنداره نامساعد، شکست و ناکامی، آماده نبودن برای تغییرات بلوغ و پذیرش بدن تغییر یافته است، همین شناخت ویژگیهای این دوران توسط نوجوان و والدین او موجب پیشگیری از اختلالات جسمی و روانی شده و مراتب



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

رشد و شکوفایی استعدادها را بیشتر و بهتر میسر می سازد. آنچه مهمتر و اساسی تر از مسائل دوره بلوغ می نماید شناخت ویژگیهای این دوران و آگاهی نسبت به نیازهای اساسی نوجوانان و فراهم آوردن شرایط و امکانات برای نوجوانان توسط والدین می باشد تا آنها بتوانند در حد متعادل و مناسب به رفع نیازهای خود بپردازند تا از سویی موجب پیشگیری از مشکلات و نابسامانی های جسمی و روانی وی شود (یوسفیان، ۱۳۷۵) و از سوی دیگر وی از آسیب های رفتاری و اجتماعی رایج در جامعه از قبیل اینترنت، موبایل، مواد مخدر، خیابان گردی، موسیقی های مدرن و وارداتی، ماهواره و تبلیغات در امان باشد و زمینه رشد و شکوفایی استعدادهای وی مهیا گردد. آبراهام مزلو معتقد است که اگر نیازهای اساسی که بهتر است آنها را نیازهای کمبود بنامیم ارضاء نشود یک تأثیر عمده بر فکر و رفتار نوجوان می گذارد. وی سلسله مراتب نیازها را در هرمی ۵ لایه ای نشان می دهد وی معتقد است پیش از آنکه نیاز هر طبقه اهمیت پیدا کند باید لایه های پایین تر از آن ارضاء شده باشند. وی اعتقاد دارد برای دستیابی به کمال انسان باید از نظر نیازهای فیزیولوژیک، ایمنی، محبت و تعلق، عزت نفس و خود شکوفایی به نحو مطلوب ارضاء شود و تا زمانی که نیازهای فیزیولوژیک ارضاء نشود، انسان نمی تواند به نیازهای بالاتر فکر کرده و آنها را ارضاء نماید. مزلو معتقد است که نوروتیکها افرادی هستند که از دست یابی به نیازهای اساسی توسط خود و دیگران محروم شده اند، این به آن معناست که آنها از دست یابی به کمال محروم شده اند (آزاد، ۱۳۸۱). به نظر می رسد افراد دچار آسیب های پنهان به اختلالات نوروتیک مبتلا هستند که ریشه آن را باید در خانواده نابسامان آنها جستجو کرد. زیرا شخصیت آنها طبیعی شکل نگرفته، نابسامانی و نارساییهای عاطفی و شخصیتی دارند که آنها را به سوی استفاده نادرست از ماهواره، اینترنت، حجاب، موبایل و... واداشته است تا آن خلاء و کمبود عاطفی و روانی خود را برای کاستن از اضطراب خود جبران نمایند. به عبارتی استفاده نادرست و مطابق میل از این وسائل، جامعه ستیزی، مدگرایی و بی حجابی وسیله ای جهت ابراز خشم و مبارزه پنهانی با والدین و مسئولین جامعه است که با والدین همانندسازی شده اند. افراد مبتلا به اختلالات نوروتیک و آسیب های رفتاری دچار اختلالات شخصیتی از جمله (گوشه گیری، افسردگی، بیقراری، وسواس، پسیکاستنی، رفتار تهاجمی، پارانوئا، هیجان پذیری، رفتار ضد اجتماعی) می شوند که هر کدام از این اختلالات ویژگیهای مختص به خود را دارد که به شرح زیر می باشد:

در حیطه گوشه گیری افراد دارای خصوصیتی از جمله: کم رویی، خجالتی بودن، کم حرفی، انزواطلبی را از خود نشان می دهند و از سطح اعتماد به نفس کافی برخوردار نیستند. در حیطه افسردگی افراد دارای خصوصیتی از جمله: احساس بی علاقه و بی حوصلگی در انجام کارهای عادی را از خود نشان می دهند و کندی اعمال و حرکات، بی تفاوتی روانی، احساس پوچی و بیهودگی، افکار خودکشی، انزواطلبی و احساس بیگانگی از جمله ویژگی های آنها می باشد. در حیطه بیقراری افراد دارای خصوصیتی از جمله: اضطراب درونی، رفتار بی قرارانه، عدم تمرکز حواس کافی می باشند. در حیطه وسواس - پسیکاستنی افراد خصوصیتی از جمله: بیمناکی، نگرانی، تنیدگی و انعطاف ناپذیری و نامطمئنی را از خود نشان می دهند. در حیطه رفتار تهاجمی افراد دارای خصوصیتی از جمله: رفتارهای تهاجمی، ناسزاگویی، خراب کردن اشیاء و حمله به دیگران می باشند. در حیطه پارانوئا افراد خصوصیتی از جمله: بدبینی و بدگمانی، به دیگران اعتماد نداشتن، دوری کردن از دیگران و مجادله با آنها را از خود نشان می دهند و رفتار اطرافیان را با تردید و سوءظن تعبیر می کنند. در حیطه هیجان پذیری افراد دارای خصوصیتی از جمله: واکنش سریع و نامعقول در برابر محرک های محیطی از قبیل ترس، اضطراب و گریه را از خود نشان می دهند و در حیطه رفتارهای ضد اجتماعی افراد دارای خصوصیتی از جمله: درگیری با مراجع قدرت، قانون شکنی، رفتارهای پر خاشگرانه، تجاوز کارانه و رفتارهای غیر قابل اعتماد و غیر مسئولانه می باشند (پاشا شریفی، ۱۳۸۲). طبق تحقیقات انجام شده ۴۰ تا ۶۰ درصد کودکان و نوجوانان مراجعه کننده به کلینیک های روان پزشکی دچار افسردگی بوده اند که در بین دخترها و در مراحل اولیه نوجوانی شایعتر بوده است. مطابق نمودارهای آماری پرونده مراجعین به کلینیک اعصاب و روان هسته مشاوره آموزش و پرورش میزان افسردگی در نوجوانان دختر ۱۴-۱۰ ساله ۷۸٪ و در سنین ۱۹-۱۵ ساله ۶۴٪ و در نوجوانان پسر ۱۵-۱۱ ساله ۵۲٪ و در سنین ۲۰-۱۵ ساله ۵۸٪ بوده است (یوسفیان، ۱۳۷۵). همچنین برای اینکه نهایت مظلومیت بزه دیدگان را دریابیم به آمار خودکشی ها و مخصوصا آمار خودسوزیها در اینجا اشاره می کنیم: به استناد آمارهای بیمارستان سوانح سوختگی شهید صدوقی یزد در سالهای ۸۱-۸۰ مجموع بیماران مراجعه



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

کننده به این بیمارستان ۹۷ نفر بوده که تعداد ۳۰ نفر آنان به خودسوزی مبادرت ورزیده و تعداد ۱۰ نفر از این گروه سنین ۱۸-۱۴ سال بوده اند. به عبارت دیگر ۱/۳ خودسوزی های شهر یزد در سال های ۸۱-۸۰ فریاد اعتراض نوجوانانی بوده است که در فشار محیطی راهی جز خودسوزی نیافته اند. بنابر آمارها و مطالب ذکر شده فوق در مورد اهمیت ارضای نیازهای اساسی باید با نگاه دقیقتری به دوره بلوغ و نوجوانی نگریست تا مشکلات این مرحله از رشد به کمک نوجوانان و تمام نهادهای جامعه حل گردد. به عبارتی تمامی این آمارها و تحقیقات گویای عدم آشنایی والدین با اصول تربیتی صحیح و مطلوب و مخصوصا آشنا نبودن آنها با شرایط بلوغ و دوران بحرانی نوجوانی و خصوصیات خاص خود را دارد. بنابر آنچه گذشت، عدم ارضای نیازها، نوجوانان را به سوی آسیب های رفتاری از جمله اینترنت (چت، هرزه نگاری و اعتیاد به اینترنت) موبایل (بلوتوث، sms، mms) مواد مخدر (مواد اعتیادآور و روان گردان) خیابان گردی (دوستی های خیابانی، مزاحمت های خیابانی، روابط نامشروع) بازیهای رایانه ای، سوء استفاده از باورهای اعتقادی، موسیقی (موسیقی مدرن و وارداتی) حجاب (حجاب گریزی، مدگرایی، بدحجابی) ماهواره (کانال های مبتذل) سوق می دهد. همچنین، شناسایی نیازها و خصوصیات رشد انسان در مراحل مختلف زندگی و برقراری بهداشت روانی به ویژه در نوجوانان موجب می شود که این ارزشمندترین ذخایر جامعه، زندگی خویش را با آرامش و امنیت خاطر سپری ساخته و به این ترتیب از ابتلاء به آسیب های رفتاری مصون بمانند. بنابراین موضوعی را که جهت تحقیق و تتبع انتخاب نمودیم مسئله ای بسیار مهم و حیاتی می باشد و با توجه به اینکه جوامع امروزی برای سلامت و بهداشت روانی افراد جامعه، تداوم و بقای خانواده، سلامت و شایستگی خود فرد ارزش قائل هستند بررسی و شناخت عواملی که منجر به پایداری و ثبات شخصیت و کاهش آسیب های رفتاری می شود ضروری به نظر می رسد.

در همین راستا تحقیقاتی انجام شده است به طوری که در یک پژوهش زمینه یابی که به منظور بررسی و مقایسه رابطه بین ارضای نیازهای اساسی جوانان افسرده و غیرافسرده در شهر یزد انجام شد نتایج تجزیه و تحلیل داده های فرضیه ها نشان داد که بین ارضای نیازهای اساسی (جسمی، ایمنی، محبت، عزت نفس و خودشکوفایی) جوانان افسرده و جوانان غیرافسرده اختلاف معناداری وجود دارد و کلاً نیازهای اساسی افراد افسرده کمتر از افراد غیرافسرده برآورده شده است. همچنین بررسی خصوصیات دموگرافیک (سن و جنس و...) دو گروه نشان داد که غیر از خصوصیات تحصیلات و شغل مادر در بقیه موارد بین دو گروه تفاوت معناداری بین ارضای نیازهای اساسی و خصوصیات دموگرافیک مشاهده شد (کارآمد، ۱۳۸۶).

در پژوهشی دیگر که به منظور بررسی عوامل روانی- اجتماعی موثر در اختلالات رفتاری دانش آموزان شهر همدان باهدف بازنگری نسبت به پدیده آسیب زای اختلالات رفتاری (جرائم دانش آموزان از قبیل دزدی و انحرافات جنسی و ریشه های گوناگون اجتماعی، فرهنگی و آموزشی آن) انجام شد برای جامعه آماری تعداد ۱۰۰ نفر از دانش آموزان ۱۰-۱۸ سال که برابر گزارش مربیان تربیتی مدارس، دارای یکی از انحرافات رفتاری سرقت، هم جنس بازی و اعتیاد بودند به عنوان گروه مطالعه و تعداد ۱۰۰ نفر دانش آموز عادی که به طور تصادفی از مدارس مورد تحقیق انتخاب شده بودند به عنوان گروه مقایسه در نظر گرفته شد. روش انجام پژوهش توصیفی- تحلیلی بود و اطلاعات از طریق پرسشنامه جمع آوری گردید. نتایج نشان داد که بزهکاری در دامنه سنی ۱۶-۱۲ سال قرار دارد. ۱۳٪ از دانش آموزان بزهکار در مقابل ۲٪ از دانش آموزان عادی، پدرانشان در قید حیات نبودند، یعنی بین کاهش درآمد پدران دانش آموزان و افزایش میزان بزهکاری ارتباط مستقیم وجود دارد. دانش آموزانی که پدرانشان از سواد کمتری برخوردار بودند بیشتر مرتکب بزهکاری و انحراف شده اند. سازش بین والدین و دانش آموزان بزهکار در مقایسه با گروه مقایسه کمتر بود. همفکری متقابل بین والدین و دانش آموزان بزهکار بسیار کمتر از گروه مقایسه بود و کاهش احترام متقابل والدین با افزایش بزهکاری دانش آموزان ارتباط مستقیم داشت. و به طور کلی، وضع رفتاری والدین اثر تردیدناپذیری در رفتار دانش آموزان داشته و دانش آموزان بزهکار نشان داده اند که در خانواده از سازگاری، همفکری و احترام متقابل نسبت به یکدیگر برخوردار نیستند (احدی، ۱۳۷۰). طبق مطالعات انجام شده هر چه ناهمخوانی بین خودپنداره و خودآرمانی فرد بیشتر باشد، اضطراب، نا امنی، خودناباوری، افسردگی، بی کفایتی اجتماعی و سایر اختلالات روان شناختی بیشتر است و هر چه این ناهمخوانی کمتر



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

باشد سازگاری اجتماعی و هیجانی بیشتر است. در ضمن اختلاف زیاد بین خود پنداره و خودآرمانی با سطح پایین خودشکوفایی و عزت نفس همبستگی دارد (آچنباخ و زیگلر، ۱۹۶۳)

در تحقیق دیگری، کودکانی که در ۳ سالگی بی قرار توصیف شده بودند در ۱۸ سالگی تکانشی، پرخاشگر، خطر جوویی اعتنا به دیگران بودند. آنهایی که در ۳ سالگی کمرو بودند در ۱۸ سالگی در مقیاس تکانشگری نمرات به مراتب پایین تری گرفتند این نتایج از یافته های دیگری که اعلام می دارد خلق و خویی که ما را در کودکی توصیف می کند در طول زندگی ثابت می ماند و بنابراین مشخصه بزرگسالی است حمایت می کند (کاسپی و سیلوا، ۱۹۹۴).

طبق پژوهش انجام شده عواقب سوء استفاده جنسی کودکی بسیار مخرب است. بزرگسالانی که در کودکی مورد سوء استفاده جنسی قرار گرفته اند گرایشهای نیرومندی به اضطراب، افسردگی، خودویرانگری، عزت نفس پایین و خودکشی دارند. عوارض شدید مشابهی در قربانیان سوء استفاده مرد وزن مشاهده شده است (پیل کینگتون و لنافان، ۱۹۹۸؛ وستن، ۱۹۹۸). طبق تحقیقات انجام شده کسانی که از نظر روان پریش خویی بالا هستند، پرخاشگر، ضد اجتماعی، مصمم، سرد و خودمحور می باشند. در ضمن معلوم شده است که آنها بیرحم، متخاصم و بی اعتنا به نیازها و احساسات دیگران هستند. علاوه بر این، آنها بیشتر از کسانی که در روان پریش خویی نمره پایین می گیرند مشکل سوء مصرف الکل و دارو دارند شگفت اینکه افرادی که در روان پریش خویی نمره بالایی می گیرند می توانند بسیار خلاق باشند (شر، بارتولو، وود، ۲۰۰۰).

در یک بررسی که ۱۵۵ نوجوان تعاملهای روزمره خود را به مدت ۲ هفته یادداشت کردند، معلوم شد که ۳۱ درصد از تعاملهای آنها تعارض با والدین را شامل می شدند. این آزمودنیها اظهار داشتند که برای آنها تعارض با والدین از تعارض با همسالانشان مهمتر و از لحاظ هیجانی شدیدتر بودند (جنسن - کمپل و گرازانو، ۲۰۰۰). استاد شهید، مرتضی مطهری، عامل بزه و آسیب های رفتاری را محیط می بیند و افراد بزهکار را انسان های (مسخ شده) می خواند. اومی نویسد: انسان در بدو تولد پاره ای از گرایشها، خواست ها و ادراکات را با خود دارد یا به تعبیر فلسفه با عقل واراده متولد می شود پس اگر در محیطی قرار گیرد که این عوامل بالقوه، به فعلیتی شایسته برسد، انسانیت نامیده می شود و اگر به فعلیتی برسد که بر اثر جبر و عوامل محیطی بر او تحمیل شده و شایسته اونیست یک موجود مسخ شده خواهد بود (علومی یزدی، ۱۳۸۰). پس ما تحقیق را به بررسی و مقایسه ارضای نیازهای اساسی و تأثیر آن بر بروز اختلالات رفتاری نوجوانان بزهکار و مقایسه آن با نوجوانان غیر بزهکار در شهر یزد اختصاص دادیم و در پایان نیز راهکارهایی عملی را جهت کاهش بزه و آسیب های رفتاری ارائه نمودیم.

روش تحقیق

روش تحقیق: روش تحقیق در این پژوهش علی مقایسه ای یا علی بعد از وقوع است. جامعه آماری: در این تحقیق شامل کلیه نوجوانان بزهکار پسر که پرونده محکومیت داشته و در کانون اصلاح و تربیت شهر یزد حضور داشتند و همچنین برای نوجوانان غیر بزهکار پسر جامعه آماری شامل کلیه نوجوانان حاضر در مدارس راهنمایی، متوسطه و مراکز پیش دانشگاهی در نواحی بودند. لازم به ذکر است منظور از نوجوان غیر بزهکار، نوجوانی است که بزهکار نبوده و رفتار بارز ضد اجتماعی ندارد و اگر هم بزه مرتکب شده اند پنهان مانده و گرفتار قانون نگشته اند. به عبارتی تمام رفتارهای آسیب زای پنهان می تواند به نوعی بزه باشد که در صورت ادامه می تواند فرد را درگیر قانون و مسائل قضایی اجتماعی کند.

نمونه پژوهش: در این پژوهش نمونه شامل دو گروه مطالعه ۲۷ نفر از نوجوانان بزهکار کانون اصلاح و تربیت یزد که سنین ۱۳-۱۸ سال داشتند و ۷۰ نفر نوجوان غیر بزهکار مدارس راهنمایی، متوسطه و مراکز پیش دانشگاهی نواحی ۱ و ۲ شهر یزد بود.

ابزار جمع آوری داده ها: در این پژوهش برای گردآوری داده ها از دو پرسشنامه و مصاحبه استفاده شد که قبل از آن تعدادی سوال برای جمع آوری ویژگی های دموگرافیک برای آنها مطرح گردید. پرسشنامه اول آزمون شخصیتی وودورث است که ۷۶ سوال دارد و با پاسخگویی به آن به صورت بلی و خیر درجه سازگاری شخص با محیط سنجیده و درجه طبیعی یا غیر طبیعی بودن افراد اندازه گیری می شود. این آزمون برای نوجوانان ۱۲-۱۸ ساله ساخته شده و مشکلات رفتاری را در ۸ حیطه روان شناختی (افسردگی، گوشه گیری، هیجان پذیری، بیقراری، پارنویا، رفتار تهاجمی، وسواس - پسیکاستنی و تمایلات ضد اجتماعی)



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

می سنجد. پرسشنامه وودورث به فارسی ترجمه وبافرهنگ ایرانی منطبق شده است. برای تعیین پایداری آن از آلفای کرونباخ استفاده شد مقدار این ضریب برای ۲۰۰ مورد پژوهش $\alpha = 0/91$ محاسبه گردید که مقدار قابل قبولی است (نجفی زند، ۱۳۷۴). پرسشنامه دوم، پرسشنامه میزان ارضای نیازهای اساسی مزلو بود که توسط اصغری پوردرسال ۱۳۷۳ ساخته شده است و دارای ۶۵ سوال است. تقسیم بندی سوالات پرسشنامه به این صورت است که به ترتیب ۱۰ سوال مربوط به نیازهای فیزیولوژیک، ۱۶ سوال مربوط به نیازهای ایمنی، ۱۲ سوال مربوط به نیازهای محبت و تعلق، ۱۵ سوال مربوط به نیازهای عزت نفس و ۱۲ سوال مربوط به نیاز به خودشکوفایی است. پاسخهای سوالات به صورت بلی و خیر می باشد که در صورت ارضای نیاز آزمودنی یک و در صورت عدم ارضاء صفرا امتیازی می گیرد. جهت اعتبار آزمون فوق از روش اعتبار صوری و اعتبار محتوا استفاده شد. برای این منظور توسط گروهی از صاحب نظران ازدانشکده پرستاری و مامایی علوم پزشکی اهواز، دانشکده علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز و دانشگاه پرستاری و مامایی علوم پزشکی تهران کفایت محتوایی این ابزار مورد قضاوت قرار گرفته و پس از انجام اصلاحات به کار گرفته شد. برای تعیین پایداری این آزمون از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که این ضریب برای ۲۰۰ مورد پژوهش $\alpha = 0/82$ محاسبه گردید که ضریب قابل قبولی است.

یافته های پژوهش:

همچنین با توجه به اینکه فرضیه های تحقیق به بررسی نیازهای فیزیولوژیک و روانی بزهکاران و غیربزهکاران می پردازد در رابطه با:

فرضیه اول این پژوهش نیازهای فیزیولوژیک در جامعه بزهکار با میانگین ۴۳٪ در سطح بالاتری نسبت به جامعه غیربزهکار با میانگین ۳۹٪ قرار دارد و به این معنی است که این نیاز در بزهکار کمتر ارضاء شده، ولی با توجه به $\text{sig} < 0/05$ این اختلاف معنی دار نیست و فرضیه ی اصلی در این مورد رد شده است.

فرضیه دوم این پژوهش، نیاز ایمنی در جامعه بزهکار با میانگین ۵۸٪ در سطح بالاتری نسبت به جامعه غیربزهکار با میانگین ۴۲٪ قرار دارد و به این معنی است که این نیاز در بزهکار کمتر ارضاء شده و با توجه به $\text{sig} > 0/05$ این اختلاف معنی دار است و فرضیه اصلی در این مورد تایید شده است.

فرضیه سوم این پژوهش نیاز محبت در جامعه بزهکار با میانگین ۷۱٪ در سطح بالاتری نسبت به جامعه غیربزهکار با میانگین ۳۸٪ قرار دارد و به این معنی است که این نیاز در بزهکار کمتر ارضاء شده و با توجه به $\text{sig} > 0/05$ این اختلاف معنی دار است و فرضیه اصلی در این مورد تایید شده است.

فرضیه چهارم این پژوهش نیاز به عزت نفس در جامعه بزهکار با میانگین ۷۰٪ در سطح بالاتری نسبت به جامعه غیربزهکار با میانگین ۳۳٪ قرار دارد و به این معنی است که این نیاز در بزهکار کمتر ارضاء شده و با توجه به $\text{sig} > 0/05$ این اختلاف معنی دار است و فرضیه اصلی در این مورد تایید شده است.

فرضیه پنجم این پژوهش نیاز خودشکوفایی در جامعه بزهکار با میانگین ۷۹٪ در سطح بالاتری نسبت به جامعه غیربزهکار با میانگین ۴۵٪ قرار دارد و به این معنی است که این نیاز در بزهکار کمتر ارضاء شده و با توجه به $\text{sig} > 0/05$ این اختلاف معنی دار است و فرضیه اصلی در این مورد تایید شده است.

فرضیه ششم این پژوهش ارضای کل نیازهای اساسی در جامعه بزهکار با میانگین ۶۴٪ در سطح بالاتری نسبت به جامعه غیربزهکار با میانگین ۳۹٪ قرار دارد و به این معنی است که کل نیازهای اساسی در بزهکار کمتر ارضاء شده و با توجه به $\text{sig} > 0/05$ این اختلاف معنی دار است و فرضیه اصلی در این مورد تایید شده است.

فرضیه هفتم این پژوهش با توجه به تست Anova هیچگونه رابطه ای بین ارضای نیازهای اساسی و مشخصات فردی غیربزهکار وجود ندارد فقط پایه تحصیلی و شغل پدر با نتایج رابطه دارد و بین ارضای نیازهای اساسی و بروز اختلالات رفتاری با مشخصات فردی بزهکار هیچگونه رابطه ای بدست نیامد.

در مورد بروز اختلالات رفتاری نیز در حیطه:



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

گوشه گیری جامعه بزهکار با میانگین ۵۹٪ و جامعه غیربزهکار با میانگین ۵۳٪ است و به این معنی می باشد که بزهکاران گوشه گیرتر هستند ولی با توجه به $0.05 < sig$ اختلاف معنی داری بین بزهکار و غیربزهکار وجود ندارد.

وسواس - پسیکاستنی جامعه بزهکار با میانگین ۴۳٪ و جامعه غیربزهکار با میانگین ۴۷٪ است و به این معنی می باشد که بزهکاران این اختلال را بیشتر دارند و با توجه به $0.05 > sig$ اختلاف معنی داری بین بزهکار و غیربزهکار وجود دارد.

رفتار ضداجتماعی جامعه بزهکار با میانگین ۹٪ و جامعه غیربزهکار با میانگین ۱۱٪ است و به این معنی می باشد که غیربزهکاران به رفتار ضداجتماعی تمایل بیشتری داشته و با توجه به $0.05 > sig$ اختلاف معنی داری بین بزهکار و غیربزهکار وجود دارد.

بیقراری جامعه بزهکار با میانگین ۵۱٪ و جامعه غیربزهکار با میانگین ۴۴٪ است و به این معنی می باشد که بزهکاران بیقرارتر بوده و با توجه به $0.05 < sig$ اختلاف معنی داری بین بزهکار و غیربزهکار وجود ندارد.

پرخاشگری جامعه بزهکار با میانگین ۵۱٪ و جامعه غیربزهکار با میانگین ۴۵٪ است و به این معنی می باشد که بزهکاران پرخاشگرتر هستند و با توجه به $0.05 > sig$ اختلاف معنی داری بین بزهکار و غیربزهکار وجود دارد.

پارانویا جامعه بزهکار با میانگین ۴۹٪ و جامعه غیربزهکار با میانگین ۴۰٪ است و به این معنی می باشد که بزهکاران مبتلا به پارانویا هستند و با توجه به $0.05 > sig$ اختلاف معنی داری بین بزهکار و غیربزهکار وجود دارد.

افسردگی جامعه بزهکار با میانگین ۶۱٪ و جامعه غیربزهکار با میانگین ۵۵٪ است و به این معنی می باشد که بزهکاران افسردگی بیشتری داشته و با توجه به $0.05 > sig$ اختلاف معنی داری بین بزهکار و غیربزهکار وجود دارد.

هیجان پذیری جامعه بزهکار با میانگین ۵۱٪ و جامعه غیربزهکار با میانگین ۴۷٪ است و به این معنی می باشد که بزهکاران هیجان پذیرتر هستند و با توجه به $0.05 > sig$ اختلاف معنی داری بین بزهکار و غیربزهکار وجود دارد.

درکل اختلالات رفتاری جامعه بزهکار با میانگین ۴۷٪ و جامعه غیربزهکار با میانگین ۴۴٪ است و به این معنی می باشد که به طور کلی اختلال رفتاری در بزهکاران بیشتر است ولی با توجه به $0.05 < sig$ اختلاف معنی داری بین بزهکار و غیربزهکار وجود ندارد.



Paired Samples Test

		Paired Differences				t	df	Sig. (۲-tailed)	
		Mean	Std. Deviation	Std. Error Mean	۹۵% Confidence Interval of the Difference				
					Lower				Upper
Pair ۱	فیزیولوژیک_بز هکار فیزیولوژیک_غیر بز هکار	۱,۴۸۱E-۰۲	.۲۲۸۲	۴,۳۹۲E-۰۲	-۷,۵۵E-۰۲	.۱۰۵۱	.۳۳۷	۲۶	.۷۳۹
Pair ۲	ایمنی_بز هکار ایمنی_غیر بز هکار	.۱۹۵۶	.۳۳۷۶	۶,۴۹۷E-۰۲	۶,۲۰۲E-۰۲	.۳۲۹۱	۳,۰۱۰	۲۶	.۰۰۶
Pair ۳	محبت_بز هکار محبت_غیر بز هکار	.۳۶۲۶	.۲۱۶۵	۴,۱۶۷E-۰۲	.۲۷۶۹	.۴۴۸۳	۸,۷۰۱	۲۶	.۰۰۰
Pair ۴	عزت نفس_بز هکار عزت نفس_غیر بز هکار	.۴۰۷۰	.۱۹۰۲	۳,۶۶۰E-۰۲	.۳۳۱۸	.۴۸۲۳	۱۱,۱۲۱	۲۶	.۰۰۰
Pair ۵	خود شکوفایی_بز هکار خود شکوفایی_غیر بز هکار	.۳۴۷۰	.۲۱۰۹	۴,۰۶۰E-۰۲	.۲۶۳۶	.۴۳۰۵	۸,۵۴۸	۲۶	.۰۰۰



Paired Samples Test

		Paired Differences				t	df	Sig. (۲-tailed)	
		Mean	Std. Deviation	Std. Error Mean	۹۵% Confidence Interval of the Difference				
					Lower				Upper
Pair ۱	هیجان پذیری_بز هکار هیجان پذیری_غیر بز هکار	.۱۳۰۲	.۲۸۳۲	۰,۴۴۹E-۰۲	۲,۳۱۷E-۰۲	.۲۴۷۲	۲,۴۸۱	.۰۲۰	
Pair ۲	افسردگی_بز هکار-& افسردگی_غیر بز هکار	.۱۳۹۳	.۲۷۱۸	۰,۲۳۰E-۰۲	۳,۱۷۰E-۰۲	.۲۴۶۸	۲,۶۶۳	.۰۱۳	
Pair ۳	گوشه گیری_بز هکار گوشه گیری_غیر بز هکار	۹,۰۳۷E-۰۲	.۲۸۷۸	۰,۰۳۹E-۰۲	-۲,۳۰E-۰۲	.۲۰۴۲	۱,۶۳۲	.۱۱۰	
Pair ۴	بی قراری_بز هکار بی قراری_غیر بز هکار	-۳,۰۴E-۰۲	.۴۶۰۱	۸,۸۰۰E-۰۲	-.۲۱۲۴	.۱۰۱۶	-.۳۴۳	.۷۳۴	
Pair ۵	پرخاشگری_بز هکار پرخاشگری_غیر بز هکار	.۱۰۹۳	.۳۱۶۰	۶,۰۹۲E-۰۲	۳,۴۰۴E-۰۲	.۲۸۴۰	۲,۶۱۴	.۰۱۰	
Pair ۶	وسواس_بز هکار وسواس_غیر بز هکار	.۲۰۰۰	.۳۳۷۱	۶,۴۸۸E-۰۲	۶,۶۶۴E-۰۲	.۳۳۳۴	۳,۰۸۳	.۰۰۰	
Pair ۷	ضد اجتماعی_بز هکار ضد اجتماعی_غیر بز هکار	-۸,۱۱E-۰۲	.۲۴۹۹	۴,۸۰۹E-۰۲	-.۱۸۰۰	۱,۷۷۰E-۰۲	-۱,۶۸۷	.۱۰۴	
Pair ۸	پارانویا_بز هکار پارانویا_غیر بز هکار	۷,۰۳۷E-۰۲	.۲۸۳۳	۰,۴۰۲E-۰۲	-۴,۱۷E-۰۲	.۱۸۲۴	۱,۲۹۱	.۲۰۸	

Paired Samples Statistics

		Mean	N	Std. Deviation	Std. Error Mean
Pair ۱	اختلال_بز هکار	.۴۴۸۹	۲۷	.۱۰۴۷	۲,۹۷۷E-۰۲
Pair ۱	اختلال_غیر بز هکار	.۳۶۳۷	۲۷	.۱۰۴۱	۲,۹۶۰E-۰۲
Pair ۲	اساسی_بز هکار	.۶۶۳۰	۲۷	.۱۱۰۰	۲,۲۲۳E-۰۲
Pair ۲	اساسی_غیر بز هکار	.۳۹۷۸	۲۷	.۱۳۷۰	۲,۶۳۷E-۰۲



Anova Test

رابطه نیاز اساسی و مشخصات فردی غیر بزهکار

		Sum of Squares	df	Mean Square	F	Sig.
سن	Between Groups	۴۹,۱۷۱	۲۱	۲,۳۴۱	.۹۱۹	.۵۷۰
	Within Groups	۱۲۲,۳۱۴	۴۸	۲,۵۴۸		
	Total	۱۷۱,۴۸۶	۶۹			
پایه تحصیلی	Between Groups	۵,۳۰۲	۲۱	.۲۵۲	.۹۹۵	.۴۸۶
	Within Groups	۱۲,۱۸۳	۴۸	.۲۵۴		
	Total	۱۷,۴۸۶	۶۹			
تحصیلات پدر	Between Groups	۹,۰۶۸	۲۱	.۴۳۲	.۸۶۳	.۶۳۴
	Within Groups	۲۴,۰۱۷	۴۸	.۵۰۰		
	Total	۳۳,۰۸۶	۶۹			
شغل پدر	Between Groups	۴۰,۹۷۳	۲۱	۱,۹۵۱	۱,۴۲۷	.۱۵۳
	Within Groups	۶۵,۶۱۳	۴۸	۱,۳۶۷		
	Total	۱۰۶,۵۸۶	۶۹			
درآمد	Between Groups	۲۲,۴۱۸	۲۱	۱,۰۶۸	۱,۴۰۶	.۱۶۳
	Within Groups	۳۶,۴۵۳	۴۸	.۷۵۹		
	Total	۵۸,۸۷۱	۶۹			



نیاز اساسی و مشخصات فردی بزهکار

		Sum of Squares	df	Mean Square	F	Sig.
سن	Between Groups	۴۵,۴۶۳	۱۵	۳,۰۳۱	۲,۰۶۲	.۱۱۵
	Within Groups	۱۶,۱۶۷	۱۱	۱,۴۷۰		
	Total	۶۱,۶۳۰	۲۶			
پایه تحصیلی	Between Groups	۱۱,۹۶۳	۱۵	.۷۹۸	.۹۷۵	.۵۲۹
	Within Groups	۹,۰۰۰	۱۱	.۸۱۸		
	Total	۲۰,۹۶۳	۲۶			
تحصیلات پدر	Between Groups	۸,۹۶۳	۱۵	.۵۹۸	.۹۸۶	.۵۲۱
	Within Groups	۶,۶۶۷	۱۱	.۶۰۶		
	Total	۱۵,۶۳۰	۲۶			
شغل پدر	Between Groups	۲۳,۰۱۹	۱۵	۱,۵۳۵	.۹۲۹	.۵۶۳
	Within Groups	۱۸,۱۶۷	۱۱	۱,۶۵۲		
	Total	۴۱,۱۸۵	۲۶			
درآمد	Between Groups	۱۰,۵۷۴	۱۵	.۷۰۵	۱,۰۳۴	.۴۸۸
	Within Groups	۷,۵۰۰	۱۱	.۶۸۲		
	Total	۱۸,۰۷۴	۲۶			

اختلال رفتاری و مشخصات فردی بزهکار

		Sum of Squares	df	Mean Square	F	Sig.
سن	Between Groups	۴۴,۲۹۶	۱۳	۳,۴۰۷	۲,۵۵۶	.۰۵۱
	Within Groups	۱۷,۳۳۳	۱۳	۱,۳۳۳		
	Total	۶۱,۶۳۰	۲۶			
پایه تحصیلی	Between Groups	۸,۸۸۰	۱۳	.۶۸۳	.۷۳۵	.۷۰۷
	Within Groups	۱۲,۰۸۳	۱۳	.۹۲۹		
	Total	۲۰,۹۶۳	۲۶			
تحصیلات پدر	Between Groups	۶,۴۶۳	۱۳	.۴۹۷	.۷۰۵	.۷۳۱
	Within Groups	۹,۱۶۷	۱۳	.۷۰۵		
	Total	۱۵,۶۳۰	۲۶			
شغل پدر	Between Groups	۱۹,۸۵۲	۱۳	۱,۵۲۷	.۹۳۱	.۵۵۱
	Within Groups	۲۱,۳۳۳	۱۳	۱,۶۴۱		
	Total	۴۱,۱۸۵	۲۶			
درآمد	Between Groups	۶,۴۰۷	۱۳	.۴۹۳	.۵۴۹	.۸۵۴
	Within Groups	۱۱,۶۶۷	۱۳	.۸۹۷		
	Total	۱۸,۰۷۴	۲۶			



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

بحث و نتیجه گیری:

اگر چه بیشتر والدین کودکان و نوجوانان خود را دوست دارند و آنها را پرورش می دهند، برخی از والدین نمی توانند به اندازه کافی از کودکان خود مراقبت کنند. مطالعات ریپتی (۱۹۹۹)، هالروید (۱۹۹۷)، فلنروهمکاران (۱۹۹۵)، ریچارد (۱۹۹۵) کراکت و همکاران (۱۹۹۴) و ماتسن و تیمون (۱۹۹۳) نشان دهنده تاثیر منفی جدایی کودک و نوجوان از خانواده می باشد برخی از این تاثیرات منفی شامل: افزایش مشکلات هیجانی، عدم اکتساب الگوهای رفتاری، اخلاقی و ارزش های والدین، ایجاد تغییرات زیاد در زندگی و عدم رشد شناختی و اجتماعی مناسب می باشد (رضایی، ۱۳۸۶). کودکانی که از کمبود محبت در رنج هستند آسیب پذیری بیشتری نسبت به کودکان عادی دارند و از خود آسیب های رفتاری بیشتری بروز می دهند (ورنرواسمیت، ۱۹۹۹) به نقل از چاووشی فر ورسول زاده طباطبایی، ۱۳۷۹). طی مطالعات فراوانی، اثرات عوامل استرس زا و حوادث منفی زندگی از جمله طلاق بر روی بهداشت روانی نوجوانان مورد بررسی قرار گرفته است نتایج این مطالعات نشان می دهد که نداشتن سیستم حمایت اجتماعی قوی، نوجوانان را در معرض اثرات سوء عوامل استرس زا قرار می دهد. در صورت عدم حضور والدین، کودکان و نوجوانان از لحاظ جسمی و روانی دچار مشکل می شوند که از جمله این مشکلات می توان گفت که این افراد از اعتماد به نفس پایین تری برخوردارند و از نظر هیجانی بی ثبات می باشند همچنین آنها خجالتی، ترسو و کمرو هستند. به علاوه احتمالاً به دلیل نداشتن الگوهای رفتاری مناسب، بسیاری از مهارت های زندگی و استفاده درست از وسائل و تکنولوژی را کسب نمی کنند و با قوانین و مقررات روابط صحیح اجتماعی آشنا نمی شوند (طباطبایی، ۱۳۸۰). در یک پژوهش زمینه یابی که به منظور بررسی مسائل نگرشی در نوجوانان بزهکار و مقایسه آن با نوجوانان سازگار در شهر یزد انجام شد نتایج نشان داد که احساس ناامیدی نسبت به آینده در نوجوانان بزهکار ۱۸ درصد بیشتر و احساس خوشبختی در آنها ۴۲ درصد کمتر بود، احساس اضطراب در نوجوانان بزهکار ۲۴ درصد بیشتر و عدم اعتماد به نفس ۳۱ درصد بیشتر بود، احساس تنهایی در نوجوانان بزهکار ۴۷ درصد و احساس خجالتی بودن ۲۵ درصد بیشتر بود و همچنین احساس پذیرش توسط دیگران در نوجوانان بزهکار ۳۴ درصد کمتر از نوجوانان سازگار بود (علوم یزدی، ۱۳۸۰).

صاحب نظران اجتماعی معتقدند این همه مفاسد و آلودگی ها که در سطح جهان در بین مردم شیوع و رواج یافته است، این همه جنگ ها و نابسامانی ها که توسط ابرقدرت‌ها در جوامع بشری پدید آمده و موجب قتل ها، غارت ها، هتک ناموس ها شده است، این همه تبهکاریها و جنایت ها که در اجتماعات به چشم می خورد، ناشی از آن است که برانگیزانندگان آن نیکوترین نبوده اند (آشنایی بانجمن اولیاء و مربیان، ۱۳۶۶). یابه عبارتی دیگر جبر خانوادگی همراه با جبر محیطی بیش از ۶۰ درصد آنان را در مسیری قرار می دهد که به سوی بزهکاری و آسیب های رفتاری رایج در جامعه پیش می روند. ضمیر کودک، دفتر سفیدی است که ما در آن مشق تعلیم و تربیت می نویسیم، پس بیایید تلاش کنیم که این دفتر پاکیزه را با خودخواهی ها و بی دانشی های خود نیالاییم و مشقی غلط، بی هدف و بی مصرف در آن نینباریم. ضمیر کودک گل خاصی است که برای ساختن و پرداختن به دست ماسپرده شده است (دابسون، ۱۳۷۱). بیانات رهبر کبیر انقلاب اسلامی، امام خمینی (ره) نیز گویای تربیت صحیح و مطلوب اولیه و دشواری در اصلاح رفتار نامناسب بعدی می باشد که می فرماید: "فساد عملی پدر و مادر از هر چیز بیشتر در اطفال سرایت می کند چه بسا که یک طفل که عملاً در خدمت پدر و مادر، بد تربیت شده تا آخر عمر با زحمت و مجاهدت مربیان تربیت نشود. اصلاح دانشگاه زمانی آسان است که فرزندانمان را از دوره دانش آموزی زیر نظر بگیریم که اگر فرزندانمان در دوره ی کودکی درست تربیت شوند، دانشگاه زحمتش کمتر می شود و اینکه باید توجه داشت که دوره ی مدارس مهمتر از دانشگاه است چرا که رشد عقلی بچه ها در این دوره شکل می گیرد" (علوم یزدی، ۱۳۸۴) دکتر جیمز دابسون همچنین معتقد است: انحرافات اخلاقی و اجتماعی جوانان ریشه در مسائل آموزشی - پرورشی محیط اجتماعی دوران کودکی ایشان و چگونگی شرایط تربیتی حاکم بر آن دوران را دارد. به نظر او والدین هر بزرگوار تربیتی و رفتاری را که در نهاد و مزرعه کودک بکارند همان را در نوجوانی و بزرگسالی برداشت می کنند. "در همین زمینه حضرت علی (ع) درباره ی کودکان می فرماید: قلب الحدث كالارض، الخاليه كلما القى فيها قلبته. قلب کودک همانند زمین بکر و آماده ای است که هر موع بذری را پذیرا بوده و با همه وجود آن را دریافت می نماید. (رشیدپور، ۱۳۷۰). هویر معتقد است ۸۰ تا ۹۰ درصد بزهکاران نوجوان در کانون های خانوادگی از هم پاشیده و تجزیه شده پرورش یافته اند و بالاخره اکثر دانشمندان طبق شواهدی جدایی طولانی و یا مکرر طفل از



والدین و محروم بودن از محبت مادر را در سالهای اولیه طفولیت یکی از عوامل مهم بزهکاری و آسیب های رفتاری در کودکان و نوجوانان یافته اند (رشیدپور، ۱۳۶۶). اهمیت مسئله آنگاه روشنتر می شود که به گفته آدفریدریا بیم درازای هر ۱۵ هزار ساعتی که کودک در مدرسه می گذراند، حدود ۶۵ هزار ساعت در خانه است. لذا اهمیت خانواده و نقش آن در پرورش فرزند و انتقال مبانی زندگی اجتماعی و فرهنگی به اورانمی توان نادیده گرفت. با همه نفوذهایی که کودک از جامعه و مدرسه، همسالان و معلمان خود می گیرد باز بیشتر تحت تاثیر خانواده است (قائمی، ۱۳۶۳). روان شناسان و متخصصین اطفال که چندین هزار نمونه از جرائم را مورد بررسی قرار داده اند به این نتیجه رسیده اند که بعضی از کودکان به علت اینکه در محیط خانواده مورد بی مهری و بی اعتنایی پدر و مادر خود قرار گرفته اند به عنوان یک واکنش در مقابل این کمبود محبت، به سرقت، آزار و اذیت دیگران پرداخته اند. در واقع این قبیل کودکان تشنه محبت بوده و چون از سرچشمه اولیاء سیراب نمی شوند به عنوان انتقام و به خاطر جلب توجه والدین خود دست به جنایت و رفتارهای آسیب زای پنهان می زنند تا از این راه بادیگران آمیخته و این خلاء را جبران کنند (کاشفی، ۱۳۷۳). یکی دیگر از عوامل مهم و اساسی که مورد توجه کارشناسان می باشد مسئله اختلاف و دوگانگی در خانواده است که کودک و نوجوان نمی دانند کدام راه را انتخاب نمایند مثلاً پدربیه اصول ایمانی و تقوی پای بند نباشد ولی برعکس مادر اعتقادات مذهبی قوی داشته باشد در این صورت نوجوان دچار تعارض شده و به همسالان روی آورده و حرفهای آنها را می پذیرد و اگر خلاف واقع باشد به آسیب های رفتاری و بزه کشیده می شود (بهشتی، بی تا). کارشناسان تعلیم و تربیت معتقدند که فقدان سرپرست می تواند کودکان و نوجوانان را به سوی بزه و آسیب های پنهان رفتاری سوق دهد به عبارت دیگر وجود پدر و مادر دقیق و مراقبت یک عامل بسیار مهم و قوی در مصونیت کودک و نوجوان است. رسول خدا (ص) در مورد تربیت به حضرت علی (ع) فرمودند: اگر در تعلیم و تربیت یک فرد مسامحه و کوتاهی شود بزرگترین خیانت نسبت به جامعه بشری انجام گرفته است و به استناد آیه شریفه (من قتل نفسا فکانها قتل الناس جمیعا) یعنی اگر کسی فردی را بکشد چنان است که همه افراد جامعه را به قتل رسانده است. بدیهی است که قتل فکر، اندیشه و معنویت از کشتن تن و جان انسانها گناهش بیشتر و مسئولیت آن سنگین تر است (رشیدپور، ۱۳۶۷). عده ای از کودکان و نوجوانان ماقربانی سهل انگاری و مسامحه پدران و مادران خود هستند و عده ای دیگر قربانی جهل، نادانی و عدم آشنایی با اصول تربیتی می باشند که در نهایت در منجلاب فساد و تباهی غوطه ور گشته و محیط خانوادگی نابسامان جان و حیات مطلوب را از آنها سلب کرده و به جای روح امید و نیکی، یاس و ناامیدی را در وجود آنها جایگزین نموده اند. عامل مهم دیگری که کودکان و نوجوانان را به سوی آسیب های رفتاری و رفتارهای مخاطره آمیز سوق می دهد ترک تحصیل و طرد شدن از مدرسه می باشد. در تحقیقی که توسط پژوهش گران یکی از دانشکده های تربیتی اجرا گردیده بود مشخص شد که ۶۰٪ از معلمان مدارس راهنمایی فاقد تعادل روحی و روانی می باشند که از علل آن کمبود حقوق معلمان، مشکلات کاری که بیشتر بر اثر عدم تسلط به حرفه معلمی بود، بخشنامه های دست و پاگیر که آزادی معلم را سلب می کند و مسائل و مشکلات خانوادگی ذکر گردید (رشیدپور، ۱۳۷۰). که این مسائل باعث برخورد نامناسب با دانش آموزان می شود. بنابراین اگر والدین، مربیان و معلمان مدارس هر چه زودتر این حقیقت و راه اصلی را برای تربیت و ارضای نیازهای اساسی کودکان و نوجوانان خود پیدا نکنند و از دستورات تربیتی اسلام عزیز و اصول روان شناسی جهت پرورش فرزندان استفاده نمایند، و فقط به مسائل جسمی، خوراک و پوشاک آنها توجه کرده بدون آنکه گوشه چشمی به مسائل روحی و روانی کودکان و نوجوانان خود داشته باشند، باید بگویم به جای پرورش فرزند به پرورش گوسفند پرداخته و عمر خود و فرزندان را تباه کرده اند که در آینده این کودکان و نوجوانان بی گناه به افرادی بدبین و آزار رسان، پرتوقع و خودخواه، حریص و آزمند، پرخاشجو و بزهکار مبدل گشته و جهت رفع خلاء موجود در زندگی خود به اختلالات رفتاری مبتلا و به آسیب های رفتاری رایج در جامعه از قبیل (چت، هرزه نگاری، بلوتوث، مواد مخدر، دوستی های خیابانی و روابط نامشروع، بدحجابی و مدگرایی و کانال های مبتذل ماهواره سوق یابند که این مهم سبب می شود زندگی را به کام خود، خانواده و اجتماع تلخ کنند و این آینده سازان بزه دیده و قربانی به دست قانون گرفتار آیند.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

- باتوجه به یافته های پژوهش، به منظور ارضای نیازهای اساسی در کودکان و نوجوانان و پیشگیری از آسیب های رفتاری و نقش خانواده در این مهم، پیشنهادهای به والدین، دبیران و مربیان مدارس و مسئولین استان به شرح زیر ارائه می شود:
- ۱- آموزش عمومی خانواده های کم درآمد به داشتن اولاد کمتر و آموزش استفاده از روش های پیشگیری از بارداری به آنها.
 - ۲- افزایش آگاهی والدین از عواقب خشونت با کودکان و نوجوانان و یادآوری روشهای صحیح تربیت به آنها از نظر اسلام و اصول روان شناسی توسط روان شناسان و روحانیان.
 - ۳- آشنا کردن والدین با خصوصیات و ویژگیهای دوران نوجوانی توسط مشاورین و روان شناسان در مدارس.
 - ۴- اجباری ساختن آموزش خانواده و زناشویی قبل از ازدواج زوجین.
 - ۵- اضافه کردن واحدهای درسی به دروس دانش آموزان ابتدائی - راهنمایی و دبیرستان تحت عناوین : ۱- شیوه های مناسب ، مطلوب و منطقی برخورد با مسائل و مشکلات زندگی ۲- شناسایی انواع مواد مخدر و بررسی خطرات آن ۳- آشنایی با دوران زندگی انسان مخصوصا نوجوانی ۴- آشناسازی دانش آموزان با اضطراب، استرس، افسردگی با ارائه نمونه های واقعی و عملی آن و راه های پیشگیری از نگرانی و ناامیدی.
 - ۶- ایجاد امکانات هنری، فرهنگی، ورزشی و تفریحی سالم برای نوجوانان بزهکار و عادی.
 - ۷- بالابردن سطح آگاهی جامعه در مورد مسائل ، مشکلات ، نیازهای اساسی نوجوانان و تاثیر ارضای این نیازها در توسعه سلامت روان و پیشگیری از بزهکاری از طریق رسانه های ارتباط جمعی مانند رادیو ، تلویزیون و مطبوعات
 - ۸- ایجاد مراکز روان درمانی و روان پزشکی مختص دانش آموزان در مناطق چندگانه آموزش و پرورش.
 - ۹- شناسایی سریع مشکلات رفتاری و عاطفی در بین دانش آموزان و ارجاع آنان به موسسات و مراکز تشخیص و درمان.
 - ۱۰- اصلاح اصل سی ام قانون اساسی و اجباری نمودن تعلیمات و رایگان بودن تحصیلات عمومی تا پایان دوره راهنمایی باهدف ریشه کن کردن بی سوادی و تاکید بر رشد اجتماعی کودکان و نوجوانان در مدارس.
 - ۱۱- شاید مناسب باشد نحوه ی ارزشیابی از کار معلمان توسط دانش آموزان مانند روشی که در دانشگاه ها مرسوم است اعمال گردد . یعنی دانش آموزان به طور تصادفی در پایان سال جهت ارزشیابی از کار معلمان و مسئولان مدرسه انتخاب شوند و به سوالات مربوطه پاسخ گویند و نتایج به طور محرمانه به استحضار مربیان رسانیده شود.
 - ۱۲- تقویت روح ایمان و اعتقادات مذهبی از اول کودکی در فرزندان توسط والدین و مربیان تربیتی مدارس.
 - ۱۳- دوری از تبعیض در خانواده بین فرزندان و در آموزشگاه بین دانش آموزان باهوش و ضعیف.
 - ۱۴- استفاده مناسب و به جا از وسائل ارتباطی توسط پدر و مادر چراکه هرگونه استفاده ناصحیح از آنها در حضور فرزندان الگویی برای آنها می باشد و آنها را ترغیب به اجرامی کند.
 - ۱۵- گسترش آموزش مهارت های زندگی به صورت گسترده از دوره ابتدایی به صورت نظری و عملی و در اختیار گذاشتن فرصت به دانش آموزان برای اعمال آنچه فرا گرفته اند در حضور مربی و در موقعیت های طبیعی زندگی خود.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

منابع و ماخذ:

- احدی، حسن. (۱۳۷۰). بررسی عوامل روانی- اجتماعی موثر در اختلالات رفتاری دانش آموزان همدان. پایان نامه کارشناسی دانشگاه همدان.
- آزاد، حسین. (۱۳۹۱). آسیب شناسی روانی ۱. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- بهشتی، احمد. (بی تا). نسل نوحواسته. قم: انتشارات دارالتبلیغ اسلامی.
- پاشاشریفی، حسن. (۱۳۹۲). ارزشیابی شخصیت. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- چاوشی فر، جلال و رسول زاده طباطبایی، کاظم. (۱۳۷۹). بررسی مقایسه عوامل تنیدگی زا و شیوه های رویارویی در نوجوانان مراکز شبانه روزی و نوجوانان دارای والدین. مجله روان شناسی، ۹، ۱۶۹-۱۸۴.
- دابسون، جیمز. (۱۳۸۱). پدر، مادر، مرا تربیت کنید. (مترجم: اسماعیل کیوانی) تهران: حسام.
- رشیدپور، مجید. (۱۳۶۷). چگونه باید تربیت کرد. تهران: انجمن اولیاء و مربیان.
- رشیدپور، مجید. (۱۳۷۰). راه تربیت. تهران: انجمن اولیاء و مربیان.
- رشیدپور، مجید. (۱۳۶۶). تربیت کودک از نظر اسلام. تهران: انجمن اولیاء و مربیان.
- رضایی، الهام. (۱۳۸۶). بررسی تاثیر آموزش مهارت های زندگی بر میزان استرس و شیوه های مقابله با استرس نوجوانان مراکز شبانه خوانده. پایان نامه کارشناسی ارشد: دانشگاه اصفهان.
- قائمی، علی. (۱۳۶۳). مجموعه بحث هادر زمینه شناخت، هدایت و تربیت نوجوانان و جوانان. قم: شفق.
- قائمی، علی. (۱۳۸۱). کودک و خانواده نابسامان. تهران: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.
- کاشفی، محمدرضا. (۱۳۸۳). کام دل. سمنان: مولف با همکاری روابط عمومی اداره کل صنایع استان سمنان.
- کارآمد، اصغر. (۱۳۸۶). بررسی مقایسه رابطه بین ارضای نیازهای اساسی جوانان افسرده و جوانان غیر افسرده شهر یزد. پایان نامه کارشناسی دانشگاه پیام نور بافق.
- طباطبایی، ناصر. (۱۳۸۰). تاثیر جرات آموزی بر افزایش عزت نفس دختران بی سرپرست بهزیستی شهرستان اصفهان. پایان نامه کارشناسی ارشد: دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان.
- علمی یزدی، محمد تقی. (۱۳۸۰). مقایسه نگرش های نوجوانان بزهکار با نوجوانان سازگار در استان یزد. یزد: انتشارات: آرمان.
- ملکی (قاسم)، حسن. (۱۳۸۵). کودکان و نوجوانان خیابانی. تهران: انتشارات آیپژ.
- واحد تحقیقات انجمن اولیاء و مربیان. (۱۳۶۶). آشنایی با انجمن اولیاء و مربیان. تهران: انجمن اولیاء و مربیان.
- وزیری یزدی، سعید. (۱۳۸۴). بررسی رضایت مندی زناشویی در ازدواج های درون فامیلی و برون فامیلی. پایان نامه کارشناسی ارشد: دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.
- یوسفیان، ماندانا. (۱۳۷۵). بررسی ارتباط ارضای نیازهای اساسی با بروز اختلالات رفتاری در دانش آموزان دبیرستانی شهر اهواز. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید چمران اهواز.

References:

- Achenbach, T., & Zigler, E. (۱۹۶۳). Social competence and self-image disparity in Psychiatric and nonpsychiatric patients. *Journal of Abnormal and Social psychology*.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر



ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

Caspi , A ., & Silva , P.(۱۹۹۴). Temperamental qualities age ۳ predict Personality traits in young adulthood : Longitudinal evidence from a birth cohort . *child Development* , ۶۵.

Pilkingngton , B ., & Lenaghan , M .(۱۹۹۸).Psychopathology in K . Trew & J.

Sher, K ., Bartholow, B., & wood , M .(۲۰۰۰). Personality and substance abuse disorders: A prospective study. *Journal of consulting and Clinical Psychology*, ۶۸,۸۱۸-۸۲۹

Jensen – Campbell, L . A . , & Graziano , W . G .(۲۰۰۰). Beyond The school yard: Relationships as Moderators of daily interpersonal conflict . *Personality and Social Psychology Bulletin* , ۲۶,۹۲۳-۹۳۵.